

نگرش فازی در حوزه سن مسئولیت کیفری

مهرنوش ابوذری*

چکیده

با وجود پذیرش سیاست کیفری افتراقی در حوزه جرائم اطفال و نوجوانان نسبت به بزرگسالان و پذیرش افراد زیر ۱۸ سال به عنوان گروه اطفال و نوجوانان در قوانین خاص داخلی و بین‌المللی، همچنان محدوده سن و آغاز مسئولیت کیفری محل تردید و مناقشه بوده است. اینکه آیا در خصوص سن آغاز مسئولیت کیفری، نگرش دفعی و جهشی (به طور مطلق در دختر ۹ سال و در پسر ۱۵ سال تمام قمری) پذیرفته شود یا شکل‌گیری مسئولیت کیفری و آمادگی پذیرش کیفر به صورت تدریجی و مرحله‌ای باشد که در هر مرحله رشدی به تدریج مراتب کیفر از خفیف تا کامل شکل گرفته شود؟ این امر از نگاه نگارنده به دلیل غلبه دیدگاه منطق ارسطویی در نگرش قانون‌گذار می‌باشد که بنا به فرضیه این مقاله، پذیرش نگاه فازی و اعمال این نگرش در بحث سن مسئولیت کیفری می‌تواند مدرج‌سازی مسئولیت کیفری و پاسخ‌دهی و مجازات مرتکبین بر اساس رده سنی آنان را شکل داده و انسجام در عملکرد قانون‌گذار و قضات را به سمت اعمال سیاست کیفری افتراقی هدایت کند. نگارنده با انجام این پژوهش در وهله اول درصدد بررسی قابلیت و چگونگی اعمال نگرش فازی در سن مسئولیت کیفری است که در صورت قابل‌اعمال بودن این نگرش و راه‌گشای بودن آن، قصد بررسی این موضوع وجود دارد که آیا این نگرش به ایجاد سیستم حمایتی اطفال و نوجوانان و یکپارچگی دادرسی کمک می‌کند یا خیر. لذا ضمن تبیین و توضیح نگرش فازی و ضرورت‌های به‌کارگیری آن در حوزه‌های مختلف، قواعد آن در خصوص سن مسئولیت کیفری با ترسیم نمودارهای فازی و سیستم استنتاجی فازی ارائه شده است تا در نهایت ضرورت به‌کارگیری نگرش فازی و نحوه اعمال محاسبات فازی در ترسیم رابطه سن با درجه مسئولیت کیفری و نوع مجازات و فواید این امر نشان داده شود.

واژگان کلیدی: اطفال و نوجوانان، نگرش فازی، منطق ارسطویی، سن، مسئولیت کیفری

* استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مقدمه

جرایم اطفال و نوجوانان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بشر دوران مدرنیته است؛ به گونه‌ای که این موضوع توجه سیاست‌مداران، مطبوعات و عموم را به خود جلب کرده است (Hendrick, 2003: 68). یکی از موضوعات مهم در این حوزه نیز تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری بوده است. بیش از یک سده است که دولت‌ها به تدریج به سیاست‌گذاری‌های خاص در قبال اطفال و نوجوانان دست می‌زنند و با لحاظ معیار سن و رشد عقلانی، یعنی با توجه به خصوصیات روانی و زیستی آنان در مراحل مختلف کودکی و نوجوانی، قوانین و مقررات خاصی در قبال آنان وضع می‌کنند. این قوانین بنا بر هر دوره سنی احکام و مقررات متفاوتی دارند که بیشتر جنبه پرورشی، حمایتی و امدادی دارند (Partington, 2001: 118). تعیین این مرز می‌تواند ابعاد ماهوی و شکلی مهمی از لحاظ نوع مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی، قواعد دادرسی، دادگاه صالح و غیره داشته باشد. سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان بزهکار و تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری برای اتخاذ واکنش اجتماعی مناسب در برابر بزهکاری آنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این سن در کشورهای مختلف متغیر است و گاه بین ۷ تا ۱۸ سال در نوسان می‌باشد (عباسی، ۱۳۹۴: ۳۹). روشن است که تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری باید با در نظر گرفتن واقعیت‌های رشد ذهنی و روانی کودکان انجام شود. در واقع، اقدام برای تعیین سنی مناسب برای مسئولیت کیفری، تکاپویی است برای رسیدن به پاسخ صحیح در این مورد که کودک در چه سنی طبیعت عملی را که انجام داده است، به طور کامل درک می‌کند و در نتیجه این قابلیت را دارد که مسئولیت ناشی از آن را بپذیرد (Delmage, 2013: 103).

بر این اساس نظام حقوقی ایران نیز در موارد مختلف و به اشکال گوناگون نسبت به موضوع مسئولیت کیفری اطفال موضع‌گیری کرده و عمدتاً با قانون‌گذاری در خصوص مسائل مربوط به آن، تدابیری را برای حل مسائل آن از جنبه کیفری پیش‌بینی کرده است.

در این مقاله درصدد پاسخ به این سؤال هستیم که سیاست کیفری ایران در زمینه شناسایی مسئولیت کیفری در حوزه سن و صغر به چه صورت است و اینکه آیا نگرش فازی در این زمینه قابل اعمال می‌باشد و تا چه میزان راهگشا خواهد بود؟ برای این منظور ضمن توجه به رویکرد نهادی و قانونی و بر اساس روش اسنادی، نگرش قانون مجازات در حوزه سن مسئولیت کیفری اطفال و سبک پاسخ‌دهی کیفری و اصلاحی به آن‌ها با رویکرد فازی مورد توجه قرار خواهد گرفت و بر اساس منطق فازی قواعد مربوط به ایجاد ساختار منسجم جهت شکل‌گیری تکوینی مسئولیت کیفری و رفع صغر مطرح می‌گردد. همچنین این امر مورد توجه مخاطب قرار خواهد گرفت که آیا نگرش فازی در زمینه سن مسئولیت کیفری منجر به حمایت از اطفال و یکپارچگی دادرسی خواهد شد یا خیر. موضوع

مقاله فعلی که با استعانت از منطق فازی، سعی بر این دارد که سن مسئولیت کیفری را در ماده‌های ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ مجلس شورای اسلامی که بر منطق ارسطویی استوار است، نقد کند. خواه آنکه بر اساس منطق فازی نمی‌توان بین مراحل رشد فیزیولوژیکی بلوغ جنسی و عقلی اطفال که متأثر از عوامل متعدد اجتماعی، اقتصادی، وراثتی، فیزیولوژیکی، جغرافیایی، گرمی و سردی آب و هوا و غیره می‌باشد و در اشخاص مختلف متفاوت است، حد و مرزی واحد ترسیم و معیاری مستقل در تعیین مسئولیت کیفری آنان ارائه داد. همچنین از سوی دیگر مشاهده می‌شود قانون‌گذار در فصل دهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تقریباً صرف نظر از قواعد منطق فازی و به‌طور ناخواسته این نگرش را پذیرفته و به نوعی در جرائم مستوجب تعزیر، سن مسئولیت کیفری و ضمانت اجرای آن را به‌صورت فازی توسعه داده است.

۱. مبانی منطق فازی

از آن زمان که انسان اندیشیدن را آغاز کرد، همواره کلمات و عباراتی را بر زبان جاری ساخته است که مرزهایی روشن نداشته‌اند. کلماتی نظیر خوب، بد، جوان، پیر، قوی، ضعیف، گرم، سرد، باهوش، زیبا و قیودی نظیر معمولاً، غالباً، تقریباً و به ندرت. روشن است که نمی‌توان برای این کلمات رمزی مشخص یافت. به‌طور مثال، آیا همیشه یک فرد دقیقاً جوان و فردی دیگر پیر است؟ وقتی می‌گوییم شخصی پیر است یعنی چند سال دارد؟ اگر مثلاً بگوییم شخصی که سن بالاتر از ۵۵ سال دارد، پیر محسوب می‌شود آیا شخص دیگر که ۴۹ سال و ۹ ماه و چند روز از عمرش می‌گذرد شخصی جوان است؟ در اینجا است که استفاده از منطق فازی می‌تواند مؤثر واقع شود و با تکنیک‌های خود این مشکلات را حل کند (فقیه، ۱۳۸۶: ۱۲). دنیای واقعی بسیار پیچیده‌تر از آن است که بتوان توصیفی دقیق برای آن پیدا کرد. بنابراین، باید توصیفی تقریبی یا همان فازی که قابل تجزیه و تحلیل باشد، برای یک مدل معرفی شود.

۱-۱. تعریف منطق فازی

منطق، قوانین تفکر بشری و نحوه درست اندیشیدن است. منطق به ما کمک می‌کند تا بتوانیم اطلاعات را از یک مجموعه داده‌ها استخراج کنیم. اما سؤال این است که آیا منطق ارسطویی^۱

۱. دیدگاه مبتنی بر صفر و یک مطلق که در واقع دیدگاه غالب از نظر منطقیون و نظریه‌پردازان بوده است که پدیده‌ها یا هستند یا نیستند یا به عبارتی تصمیم‌گیری در حوزه سفید یا سیاه قابل حصول است؛ لکن منطق فازی عقیده دارد میان

می‌تواند به استدلال‌های انسانی نزدیک شود؟ (منهاج، ۱۳۹۰: ۳۳) پاسخ به این سؤال با شناخت دنیای واقعی پیرامون ما مشخص می‌شود.

با حرکت به سوی عصر اطلاعات، دانش و معرفت بشری بسیار اهمیت پیدا کرده است. بنابراین به فرضیه‌ای نیاز است که بتواند دانش بشری را به شکلی سیستماتیک فرموله کرده و آن را به همراه دیگر مدل‌های ریاضی در سیستم‌های مهندسی قرار دهد. در واقع، در سیستم‌های دارای عدم قطعیت زیاد و پیچیدگی‌های بالا، منطق فازی روشی مناسب برای مدل‌سازی به شمار می‌رود. منطق فازی می‌تواند به رفع ابهام از عبارات فوق کمک شایانی نماید. منطق فازی به طور خاص برای نمایش ریاضی عدم قطعیت، ابهام، شرایط متغیر و شرایط غیرقابل مقایسه با فرموله کردن ابزارهای منطقی برای مقابله با عدم دقت ذاتی در بسیاری از مسائل دنیای واقعی طراحی شده و مناسب است. (Zadeh, 1988: 558)

این نظریه قادر است بسیاری از مفاهیم، متغیرها و سیستم‌هایی را که نادقیق و مبهم هستند، همان طور که در عالم واقع نیز اکثراً چنین است، صورت‌بندی ریاضی کرده و زمینه را برای استدلال، استنتاج، کنترل و تصمیم‌گیری در شرایط عدم اطمینان فراهم آورد (طاهری، ۱۳۷۸: ۴۰). از دیدگاه نظریه پردازان فازی، پدیده‌های موجود در دنیای واقعی که می‌بینیم یا تصور می‌کنیم، بسیار پیچیده‌تر از آن هستند که بتوان یک توصیف و تعریف دقیق و ساده از آن‌ها ارائه داد (حسین‌زاده یزدی، ۱۳۸۷: ۶۷).

نمی‌توان با قطعیت از سیاه و سفید، خوب و بد، زشت و زیبا و... درباره پدیده‌های جهان واقعی صحبت کرد. از دیدگاه طرفداران منطق فازی، برای رسیدن به حقیقت و واقعیت باید دوانگاری‌های منطق ارسطویی را کنار گذاشت. باید درک کرد که در دنیای واقعی به دلیل فازی یا مبهم و تشکیکی بودن واقعیت‌ها، پدیده‌های واقع، دارای مراتب و درجات هستند و منحصر به حالت «بود و نبود» نیستند (موسوی شفقانی، ۱۳۹۲: ۱۸۲). برخلاف منطق کلاسیک، که اساسش بر قطعیت است، اساس نگرش فازی بر تقریبی و چندارزشی نگاه کردن به قضایا و واقعیات است.

منطق فازی، جهان‌بینی جدیدی است که به‌رغم ریشه‌داشتن در فرهنگ مشرق‌زمین، با نیازهای دنیای پیچیده کنونی بسیار سازگارتر از منطق ارسطویی است. منطق فازی، جهان را آن‌طور که هست به تصویر می‌کشد. دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم، دنیای مبهمات و عدم قطعیت است. مغز

صفر تا یک، بازه فراوانی از داده‌ها وجود دارند که پدیده‌های اطراف ما اکثراً در این بازه قرار می‌گیرند و نمی‌توان به طور مطلق به عنوان سیاه یا سفید محض تصمیم‌گیری کرد؛ بلکه طیف خاکستری در این میان غلبه دارد.

انسان عادت کرده است که در چنین محیطی فکر کند و تصمیم بگیرد و این قابلیت مغز که می‌تواند با استفاده از داده‌های ناصحیح و کیفی به یادگیری و نتیجه‌گیری بپردازد، در مقابل منطق ارسطویی که لازمه آن داده‌های دقیق و کمی است، قابل تأمل می‌باشد. این بدین معنا است که ما به‌جای حالت دودویی یا باینری از حالت آنالوگ استفاده می‌کنیم و سایه‌های نامحدودی از خاکستری بین سیاه و سفید داریم. یک فرد هم خصلت‌های خوب دارد هم بد؛ لکن بسیاری از این پدیده‌های واقعی در تفکر باینری حذف می‌شوند. در عوض، منطق فازی به‌جای انتخاب الف یا ب که در اینجا عبارتند از گزینه‌هایی معین، هر دوی الف و ب را با درجات گوناگون اهمیت، حق تقدم و سازگاری با اهداف و معیارهایی انتخاب می‌کند (وکیلی، ۱۳۸۳: ۱۵۳).

این منطق در بازه بین صفر و یک قرار داشته و با دوری از مطلق‌گویی (فقط صفر یا یک) از مقدار تعلق عضوی به مجموعه بحث می‌کند. مثلاً یک فرد ۴۰ ساله، ۱۵ درصد به مجموعه جوان، ۷۰ درصد به مجموعه میان‌سالان و ۲۵ درصد به مجموعه پیران تعلق دارد. این منطق مطلقاً نمی‌گوید که مثلاً فرد مدنظر میان‌سال است (مجموع تعلق‌ها الزاماً برابر یک نیست).

پیرامون پیشینه منطق فازی به‌طور مختصر می‌توان بیان داشت اهل منطق در سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ اولین بار منطق چندارزشی را برای کار با اصل عدم قطعیت هایزنبرگ در مکانیک کوانتومی پیش کشیدند. این اصل پیشنهاد می‌کند که ما واقعاً با منطق سه مقداری برخورد داریم. بیان‌هایی که درست، نادرست یا میانه هستند. در مقیاسی کوچک‌تر، منطق دان لهستانی، جان لوکاسیه و ییچ حالت میانه را خرد و به چندین قطعه تقسیم کرد و به حالت چندمقداری یا منطق چندارزشی رسید. لوکاسیه و ییچ آنگاه قدم بعدی را برداشت و حالات میانه را به‌صورت یک محیط پیوسته تعریف کرد؛ طیفی بین نادرستی و درستی، بین صفر و یک. هر عبارت منطق فازی نظیر «علف سبز است» یا «وکلا اختلافات را رفع می‌کنند» می‌تواند تا اندازه‌ای درست باشد. میزان درست بودن این عبارات بین صفر و یک می‌تواند تغییر کند یا آنکه بین صفر درصد تا صد درصد درست باشد. عبارت فازی سی سال بعد به واژگان علمی وارد شد. تا آن زمان دانشمندانی نظیر برتراند راسل اصطلاح «ابهام» را برای حالت چندارزشی به کار می‌بردند. در سال ۱۹۳۷ فیلسوف کوانتومی ماکس بلک مقاله‌ای در رابطه با مجموعه‌های گنگ یا آنچه اکنون مجموعه‌های فازی نامیده می‌شود، منتشر کرد که چندان مورد توجه قرار نگرفت. نهایتاً در سال ۱۹۶۵ پرفسور لطفی‌زاده به مجموعه‌های فازی پرداخت. (کاسکو، ۱۳۸۶: ۴۲). تئوری مجموعه‌های فازی و منطق فازی را اولین بار پرفسور لطفی‌زاده در رساله‌ای به نام «مجموعه‌های فازی - اطلاعات و کنترل» معرفی کرد. هدف اولیه او در آن زمان، توسعه مدلی کارآمدتر برای توصیف فرایند پردازش زبان‌های طبیعی بود. او مفاهیم و اصطلاحاتی همچون

مجموعه‌های فازی، رویدادهای فازی، اعداد فازی و فازی‌سازی را وارد علوم ریاضیات و مهندسی کرد. مدت‌ها بود که او با نظریه سیستم‌ها سروکار داشت و ملاحظه می‌کرد که هرچه پیچیدگی یک سیستم بیشتر شود، حل و فصل آن به وسیله ریاضیات رایج، مشکل‌تر است و لذا به ریاضیات دیگری برای حل این مشکل نیاز است. این ریاضیات باید بتواند ابهام موجود در پیچیدگی یک سیستم را مدل‌سازی کند و با محاسبات خود آن را تحت کنترل و نظارت در آورد و رفتار آن را پیشگویی کند که بالاخره در سال ۱۹۶۵ به این موفقیت دست یافت. در آن زمان، هیچ‌کس نمی‌توانست باور کند که این مقاله اولین جرقه از پرتو یک جهان‌بینی جدید در عرصه ریاضیات و علوم و اولین قدم در معرفی بینشی نو و واقع‌گرایانه از جهان، در چهارچوب مفاهیمی کاملاً بدیع اما بسیار سازگار با طبیعت انسان باشد. گرچه تا حدود یک دهه پیش مبحث فازی (و بنیانگذار آن) با مخالفت آشکار و سخت جمع کثیری از دانشمندان و ریاضی‌دانان و مهندسان روبه‌رو بود، با پیدایش کاربردهای علمی منطق فازی و آشنایی و شناخت بیشتر جهان علم با مفاهیم فازی به تدریج این مخالفت‌ها به تحسین و تشویق بدل شد.

منطق فازی تعمیمی از منطق دوارزشی متداول است و در حالی که در منطق دودویی جایی برای واژه‌هایی همچون «کم»، «زیاد»، «اندکی»، «بسیار» و... که پایه‌های اندیشه و استدلال‌های معمولی انسان را تشکیل می‌دهند، وجود ندارد، روش پروفیسور لطفی‌زاده بر مبنای به‌کارگیری همین عبارات زبانی است. به‌عنوان مثال، مسئله رعایت فاصله با خودروی جلویی در هنگام رانندگی را در نظر بگیرید. جهت تنظیم این فاصله هنگام مواجه شدن با خودروی روبه‌رو «اگر جاده لغزنده باشد، باید فاصله را زیاد کنیم» و «اگر سرعت خودرو کم باشد، می‌توانیم فاصله را کم کنیم» و «اگر هوا تاریک باشد، فاصله را زیاد کنیم» که غالباً به هنگام رانندگی امکان اندازه‌گیری دقیق میزان سرعت خودرو، تاریکی جاده، لغزندگی جاده و نظیر آن به‌منظور محاسبه مقادیر فاصله مطلوب وجود ندارد؛ در نتیجه جهت طراحی سیستم ترمز مؤثر خودرو بر پایه منطق فازی، عباراتی مثل تاریکی کم یا زیاد، سرعت کم یا زیاد و لغزندگی کم یا زیاد و... را به‌عنوان متغیرهای ورودی و عباراتی همچون «فاصله کم یا زیاد» را مشابه آنچه در مغز انسان برای تصمیم‌گیری رخ می‌دهد، به‌عنوان متغیر خروجی به‌کار می‌بندیم. امروزه هیچ دستگاه الکترونیکی، از جمله وسایل خانگی، بدون کاربرد این منطق در ساختار فنی خود ساخته نمی‌شود. با منطق فازی پروفیسور لطفی‌زاده این دستگاه‌ها هوشمند می‌شوند.

منطق فازی به‌ویژه در صنعت، کاربردهای فراوان پیدا کرده است. مثلاً در کنترل شبکه‌های عصبی، کامپیوتر، منطق، تحقیق در عملیات، شبیه‌سازی، ریاضیات، آمار، شیمی، محاسبات نرم،

هوش مصنوعی، تجزیه و تحلیل داده‌ها، کشاورزی و چندین زمینه دیگر منطق فازی فراتر از این پیش رفته و در علوم انسانی و علوم اجتماعی نیز کاربردهایی را پیدا کرده است. البته این مقاله به جزئیات روابط ریاضی مبحث فازی نمی‌پردازد؛ بلکه قصد دارد مفاهیم و اساس کار این تفکر را در یکی از مباحث حقوقی بیان و ارائه نماید.

۱-۲. کاربرد منطق فازی در علوم انسانی

در حال حاضر استفاده‌های منطق فازی نه تنها در هوشمندسازی ماشین‌ها و ساختارهای هندسی، اتوماسیون، نرم‌افزارهای رایانه‌ای، هوش مصنوعی و... فراوان و چشمگیر است بلکه در علوم انسانی نیز بینش جدیدی به وجود آورده است. در دهه‌های اخیر، مبحث فازی در جهان علم به سرعت در حال بسط و توسعه بوده است. کاربردهای آن از دایره علوم ریاضی و مهندسی کنترل فراتر رفته و به بسیاری از رشته‌های علمی دیگر قدم گذاشته است. از دیگر زمینه‌هایی که مبحث فازی در آن به آرامی اما ریشه‌ای و بنیادی در حال گسترش است، رشته‌های علوم تربیتی، جامعه‌شناسی، علم اخلاق و زیباشناسی و حقوق است. به طور مثال، در مدیریت، کاربرد عمده منطق فازی در زمینه تصمیم‌گیری و ارزیابی عملکرد قابل مشاهده است. سیستم‌های مدیریت فازی با بهره‌گیری از منطق فازی، همانند حافظه انسان داده‌ها را پردازش کرد و اطلاعات مورد نیاز مدیران را جهت تصمیم‌گیری فراهم می‌کند. علاوه بر این، این سیستم با ترکیب شدن با شبکه‌های عصبی و به‌کارگیری توابع یادگیرنده به راحتی قادر است که تجربه‌های مدیران را در نظر گرفته و به طور خودکار خود را به روز کند (بوجادزیف، ۱۳۸۱: ۲۹). روانشناسی از دیگر حوزه‌هایی است که از منطق فازی انتظار می‌رود نقش مهمی در آن ایفا کند. بسیاری از مفاهیمی که در روانشناسی به کار می‌روند از یک جهت عضو مجموعه مورد نظر هستند و از جهت دیگر نیز نیستند که در تصمیم‌گیری تعلق به یک گروه ایجاد مشکل می‌کند (Smith, 1999: 557-558). روانشناسی تنها حوزه‌ای نیست که از منطق فازی در مفاهیمش بهره می‌گیرد اما در توسعه نظریه مجموعه‌های فازی نقش بسیار مهمی دارد (Zetenyi, 1988: 102)؛ زیرا واژه‌هایی که روان‌شناس از افراد برای مطالعه ویژگی‌های شخصیتی و سایر مطالعات روان‌شناختی به دست می‌آورد، ماهیتاً غیرقطعی و غیردقیق هستند. عدم قطعیت در داده‌ها به خوبی با اصول فازی مورد مدیریت و تحلیل قرار می‌گیرند. امتیاز دیگر در این رویکرد مدل‌سازی این است که مقادیر غیرقطعی را اندازه‌گیری کرده و در پارامترهای روان‌شناختی تخصیص می‌دهد (Kushwaha, 2009: 131).

در علوم اجتماعی نیز استفاده از منطق فازی در پژوهش‌های نظری و کاربردی آن راهی نوین در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد که از طریق آن، آزمون دقیق‌تر فرضیه‌های پژوهشی و پرسش‌های تحقیق امکان‌پذیر شده و راه‌حل‌های اثربخش‌تر در اختیار آنان قرار گیرد (قاسمی، ۱۳۸۹: ۵۳). عمده واقعیت‌هایی که در علوم اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌گیرند ممکن است تا حدی عضو یک مجموعه باشند؛ به نحوی که نتوان آن را به‌طور کامل از مجموعه حذف کرد یا به‌طور کامل در درون آن مجموعه قرار داد. بسیاری از سازه‌ها در علوم اجتماعی دارای خصیصه دو مقوله‌ای بودن و چندبعدی بودن هستند. تحلیل مجموعه‌های فازی رویکرد بسیار توانمندی در بررسی اثرگذاری پدیده‌های اجتماعی بر یکدیگر است. در زمینه مسائل حقوقی نیز مقالاتی در ژورنال‌های معتبر حقوقی به چاپ رسیده است که به خوبی مبین توجه پژوهشگران حقوقی به کاربرد منطق فازی در این رشته در بحث تقنین و قضا می‌باشد.

۱-۳. کاربرد منطق فازی در حقوق کیفری

امروزه کاملاً نیاز به حضور منطق فازی در قلمروی حقوق ملموس است؛ زیرا حقوق که بخش اعظم آن در مجموعه قوانین متبلور است، با واژگانی سروکار دارد که مطلق نبوده و دارای ابهام و عدم قطعیت هستند. منطق فازی برای حل یک مشکل قدیمی قابل طرح است: یک قاضی باید در موقعیت‌هایی که اغلب نمی‌توانند جز با واژگان غیرقطعی توصیف شوند، تصمیمی مبنی بر یک ارزش عددی بگیرد؛ مانند تعیین خسارت وارد شده. در حالی که بسیاری از واژگان حقوقی کیفیت مبهمی دارند و مناطق کاربری آن‌ها تا مناطق اطرافشان گسترده شده است. منطق فازی بدین معنا است که برای مثال، کاربرد یک واژه دارای دامنه گسترده، مثل «غفلت»، «بی احتیاطی»، «عرف»، «منافی عفت» و غیره، منجر به یک پاسخ بله یا خیر مطلق نمی‌شود؛ بلکه به نوعی بیان درجه‌بندی شده و نسبی است. گاه شهود هنگام بیان اوصاف فرد متهم، از صفاتی که مفاهیم نسبی دارند، مثل بلند، جوان و... استفاده می‌کنند. لذا از نظر یکی ۱۷۵ سانتی متر قد بلند است، از نظر دیگری کوتاه و از نظر فردی دیگر قدی متوسط محسوب می‌شود. پلیس‌ها نیز در توصیفشان از مجرمان با موقعیت‌های فازی برخورد می‌کنند. گاه یک پلیس یا بازپرس به این نتیجه می‌رسد که یک فرد نه کاملاً بی‌گناه است نه کاملاً مقصر. یعنی در منطق صفر و یک ارسطویی جا نمی‌گیرد. اینجا است که در تصمیم‌گیری تردید شکل می‌گیرد و می‌توان منطق فازی را برای ایجاد یک ساختار فکری حاکم در حل این مشکل به کار گرفت. در واقع، منطق فازی هم در مباحث ماهوی و هم شکلی حقوق کیفری قابل کاربرد می‌باشد؛ از این جهت که حقوق کیفری مانند سایر حوزه‌های علوم انسانی دارای

مفاهیمی با معانی مدرج است که برای شناخت دقیق‌تر نمی‌توان آن‌ها را مطلق نگریست؛ بلکه نگرش فازی به یاری این مفاهیم شتافته تا در جایگاه واقعی خود قرار داده شوند و نهایتاً در تصمیم‌گیری و قضاوت مؤثر واقع گردند. از جمله شناسایی درجات شکل‌گیری عنصر مادی از قصد تا اجرا و همچنین عنصر روانی و مراتب مسئولیت کیفری که در کیفیها به خصوص تعزیرات با توجه به درجه‌بندی ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مبین و مؤید این امر می‌باشد.^۱

۲. منطق فازی و مفهوم بلوغ و رشد

کودکی تا نوجوانی از دیدگاه علوم مختلف، از جمله روان‌شناسی، زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی و حقوق مورد بررسی قرار گرفته است و هریک از دانشمندان از دید خود، کودک و کودکی را تبیین نموده‌اند (معظمی، ۱۳۸۸: ۵۲). کودک در لغت عبارت است از هر پسر و دختری که به نضج و رشد نرسیده باشد. دوران کودکی از دوران بارداری شروع و تا بلوغ ادامه دارد (نجفی ابرنآبادی، هاشم بیگی، ۱۳۷۷: ۱۱). در اصطلاح جرم‌شناسی به دومین مرحله از مراحل دوران زندگی گفته می‌شود (شامبیاتی، ۱۳۸۰: ۶۰). از نظر حقوق ایران اطفال به کسانی اطلاق می‌شود که از نظر سن به رشد کامل جسمی و روحی برای شرکت در مسائل اجتماعی و خانوادگی نرسیده باشد. بدیهی است بشر از بدو تولد و در سنین اولیه عمر که رشد قوای بدنی و روحی او به حد کمال نرسیده است، نمی‌تواند مشخص و ممیز خوب و بد اعمال خود گردد. این قوه به نسبتی که قوای مختلف حیاتی در بشر توسعه می‌یابد، تولید و به تدریج تکمیل می‌شود (سمیعی، ۱۳۳۳: ۷۵).

روان‌شناسان بلوغ را روندی تدریجی دانسته‌اند که حد فاصل خردسالی تا بزرگسالی است. با این وصف باید سن بلوغ، سنی باشد که با تغییرات تدریجی کامل شده و بلوغ به‌طور کامل ظاهر شود. در شریعت اسلام نیز علما و فقها بر اساس ضابطه تمییز برای طفولیت ادواری ذکر کرده‌اند: الف) از ولادت تا هفت سالگی، طفل در این دوره «صبی غیر ممیز» نامیده می‌شود و معتقدند طفل در این مرحله مطلقاً مسئولیت کیفری ندارد و قابل تعزیر یا تأدیب نیست؛ ب) از هفت سالگی تا سن بلوغ، طفل در این دوره «صبی ممیز» نامیده می‌شود. البته در مورد سن بلوغ اختلاف وجود دارد. طفل در این مقطع زمانی مشمول تأدیب می‌شود. مفهوم طفل «مراهق» در فقه به پایان همین دوره سنی در فرایند بلوغ اشاره دارد؛ یعنی کودکی که در آستانه بلوغ قرار گرفته است؛ ج) از سن بلوغ به بعد، در این حالت شخص دارای مسئولیت کامل است (موسوی‌بجنوردی، ۱۳۷۸: ۲۱).

۱. توضیح و شرح کامل این مبحث در کتاب «کاربرد منطق فازی در حقوق کیفری ایران» نگارش مهنوش ابوذری، نشر میزان، ۱۳۹۷ قابل مطالعه می‌باشد.

البته به نظر می‌رسد نمی‌توان برای بلوغ سن خاصی را معین کرد؛ چراکه رسیدن به مراحل حلم، نکاح و رشد از امور فازی و تکوینی به حساب می‌آید و تشخیص مسائل و امور تکوینی و طبیعی، امری عرفی و فازی است و نه شرعی و غیرفازی. از این رو تعیین سن خاص در امور تکوینی خارج از وظیفه شارع است و از این جهت مشاهده می‌شود که در قرآن هیچ سخنی از سن دختر و پسر به عنوان سن بلوغ به میان نیامده است؛ بلکه به جای آن معیارهای کلی جهت حاکمیت منطبق فازی ارائه شده است. بنابراین سن از نظر قرآن در تحقق بلوغ نه موضوعیت دارد و نه به عنوان اماره محسوب می‌شود.^۱ قرآن کریم آیاتی دارد که مسئله بلوغ در آن‌ها بیان می‌شود. مطابق این آیات مسئله بلوغ به طور قطع و یقین بر اساس منطق فازی تکوین یافته است، نه منطقی غیرفازی یا ارسطویی. به عبارتی برای اثبات و تحقق بلوغ نسبت به هر فرد باید ملاک بلوغ را در زمان خاص فقط نسبت به فرد خاص مورد بررسی قرار داد، نه تعیین سن خاص برای همه افراد جامعه یا تعمیم سن خاصی در احد از افراد جامعه در جهت کشف بلوغ و معیار قراردادن آن برای دیگر افراد جامعه. از جمله آیاتی که بیانگر فازی بودن سن هستند، عبارت است از «وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» (نساء، ۶) «و یتیمان را هنگامی که بالغ شوند، آزمایش کنید اگر آن‌ها را دانا به درک مصالح زندگانی خود یافتید، اموالشان را به آن‌ها باز دهید»

در این آیه مطالب زیادی وجود دارد؛ همچنین این آیه در مقام بیان سن رشد و حد رشد برای اعطای اموال به کودکان است. در قسمت اول آیه بلوغ بیان شده که میزان و نشانه‌های بلوغ از این جهت که از طرف شارع مقدس بیان شد، ه تعبیدی یا غیرفازی است ولی از لحاظ اینکه کودکان با مرور زمان و به طور طبیعی به این مرحله می‌رسند، تکوینی و فازی است. از این آیه مستفاد می‌گردد که بلوغی را که خداوند در «بَلِّغُوا النِّكَاحَ» بیان کرده، تعبیدی یا ارسطویی نیست؛ چون بلوغ النکاح، یعنی توان آمیزش و تولیدمثل و باروری داشتن و این حالت برای پسر و دختر یک امر تکوینی، تدریجی یا فازی است؛ یعنی طبیعت انسان (چه پسر و چه دختر) اگر به این حد از رشد جسمی و جنسی برسد، توان تولید مثل و باروری دارد. البته بلوغ النکاح را در دختر و پسر، از طریق ابتلا و آزمایش می‌توان تشخیص داد؛ چون توان هر کدام از آن‌ها در تولید مثل و باروری مختلف است.

۱. آیات ۵۹ نور، ۶ نساء، ۱۵۲ انعام، ۳۴ اسراء، ۲۲ یوسف، ۱۵ احقاف.

۳. منطق فازی و سن مسئولیت کیفری در قانون مجازات اسلامی

مسئولیت در لغت به معنی موظف بودن به انجام دادن کاری است. مسئولیت کیفری پلی میان جرم و مجازات است. در قلمروی حقوق کیفری محتوای التزام و مسئولیت، تقبل آثار و عواقب رفتار مجرمانه است؛ یعنی تحمل مجازاتی که سزای رفتار سرزنش آمیز بزهکار به شمار می آید (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۴۷). در واقع مسئولیت کیفری در معنای انتزاعی و مجرد قبل از ارتکاب جرم در افراد قابل احراز است و با این معنا مسئولیت کیفری به معنای قابلیت یا اهلیت شخص برای تحمل تبعات رفتار مجرمانه خود است (میرسعیدی، ۱۳۸۳: ۱۶۵).

اشخاص مسئول کسانی هستند که ضمن ارتکاب جرم دارای قابلیت انتساب باشند و هیچ مانعی در تحمیل مسئولیت کیفری به آن‌ها وجود نداشته باشد. اشخاص غیر مسئول کسانی هستند که دارای شرایط و وضعیت روحی و روانی هستند که اعمال آنان ناشی از درک و اختیار کامل نمی باشد؛ نظیر مجانین و صغار (جنت مکان، ۱۳۹۰: ۸۶).

یکی از مباحث مهم در حوزه مسائل فقهی و حقوقی مسئولیت کیفری، سن مسئولیت کیفری و موانع اعمال مجازات نسبت به افراد غیربالغ است که موضوع مقاله فعلی را در پرتو منطق فازی فراهم می آورد. بسیاری از کودکانی که به سن تکلیف می رسند، از رشد فکری و عقلی لازم در درک مسائل کیفری و تکالیف قانون گذار برخوردار نیستند. حال آنکه در تعیین سن مسئولیت کیفری در مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی به گونه ای دیگر بیان شده است؛ ماده ۱۴۶ اشعار می دارد: «افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند.» و ماده ۱۴۷ مقرر داشته است: «سن بلوغ در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است.» البته سن بلوغ مطابق تبصره ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی برای پسر پانزده سال تمام قمری معادل ۱۴ سال و ۶/۵ ماه شمسی و برای دختر نه سال تمام قمری معادل ۸ سال و ۹ ماه شمسی است که به نظر می رسد این موضوع نزد واضعان قانون جز بر منطق ارسطویی بر منطق دیگری حاکم نباشد. در مواد اشاره شده، بین مراحل رشد فیزیولوژیکی و عقلی اطفال و نوجوانان و میزان مسئولیت کیفری آنان هیچ تفکیک و تمایزی قائل نشده است. در حالی که اطفال و نوجوانان قبل از رسیدن به سن بلوغ شرعی از مسئولیت کیفری مبرا بوده و به محض رسیدن به سن بلوغ، مسئولیت کامل پیدا کرده و مانند بزرگسالان مورد مجازات قرار می گیرند. سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که در فاصله یک روز یا یک ساعت یا چند دقیقه قبل از بلوغ طفل، چه تکاملی رخ می دهد که دیدگاه قانون گذار نسبت به طفل عوض می شود و آثار و پیامدهای مهمی متوجه او می گردد. طفلی که تا دیروز در صورت نافرمانی از دستورات قانون گذار سهواً یا عمداً، فاقد مسئولیت کیفری و جاهل به قانون فرض و حاکمیت مطلق صغر به عنوان عاملی به عنوان مانع

مسئولیت کیفری نسبت به او پذیرفته می‌شد، از لحظه بلوغ، آگاه به قانون و در صورت ارتکاب بزه، بزهکار فرض می‌گردد. سؤال دیگر اینکه آیا سن بلوغ اعلامی از سوی قانون‌گذار که بر اساس منطق ارسطویی است، می‌تواند دقیقاً معیار بلوغ و رشد عقلی و درک کامل از اوامر و نواهی قانون‌گذار قرار گیرد یا خیر؟ البته این دیدگاه در مواد دیگر همین قانون کمی تعدیل گردیده است که در ادامه به تفصیل بررسی خواهد شد.

ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این کار را به نحوی بسیط انجام داده و مقرر کرده بود که افراد تا قبل از رسیدن به سن ۹ و ۱۵ سال، فاقد مسئولیت کیفری و پس از آن دارای مسئولیت کیفری کامل هستند. به این ترتیب با تبعیت از شیوه‌دفعی و یک‌باره در تحقق مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان، مرز بین حداقل سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری را درهم آمیخته و هر دو را یکسان انگاشته بود. توضیح آنکه به طور کلی دو نوع نظام مسئولیت کیفری برای اطفال و نوجوانان در کشورهای مختلف وجود دارد؛ در گونه نخست، مسئولیت کیفری اطفال به یکباره کامل می‌شود. به این ترتیب که فرد تا سن مشخصی که قانون مقرر می‌کند، کودک محسوب می‌شود و فاقد هرگونه مسئولیت کیفری است و به محض گذر از آن سن بزرگسال محسوب شده و مسئولیت کیفری کامل پیدا می‌کند. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز از چنین نظامی تبعیت کرده بود؛ زیرا اطفال و نوجوانان تا رسیدن به سن بلوغ فاقد مسئولیت کیفری بودند و پس از آن مسئولیت کیفری کامل پیدا می‌کردند و در این مورد تفاوتی بین مجازات‌های تعزیری و غیر آن‌ها وجود نداشت. گونه دیگر آن است که مسئولیت کیفری به تدریج کامل می‌شود. به این ترتیب که تا یک سن مشخص فرد مطلقاً فاقد مسئولیت کیفری است و هیچ‌گونه واکنش کیفری در مقابل جرم ارتكابی وی نشان داده نمی‌شود. به این معنا که در مقابل جرائم ارتكابی توسط وی، واکنش کیفری خفیف‌تری در مقایسه با بزرگسالان مرتکب جرم مشابه نشان داده می‌شود. با گذر از این مرحله نیز فرد وارد دوران مسئولیت کیفری کامل می‌شود؛ یعنی بزرگسال تلقی شده و واکنش کیفری نسبت به وی نیز همانند یک بزرگسال خواهد بود. نظام تدریجی از این حیث که مسئولیت کیفری در آن همگام با افزایش قوه ادراک فرد تکامل می‌یابد، عادلانه‌تر است.

لذا از جمله چالش‌های این حوزه مسئله تدریجی یا دفعی بودن سن مسئولیت کیفری است. بر اساس دیدگاه فازی نیز نمی‌توان بین مراحل رشد فیزیولوژیکی بلوغ جنسی و عقلی اطفال که متأثر از عوامل متعدد اجتماعی، اقتصادی، وراثتی، جغرافیایی و غیره می‌باشد و در اشخاص مختلف متفاوت است، حد و مرزی واحد ترسیم و معیار مستقلی در تعیین مسئولیت کیفری آنان ارائه داد

(Ahmadi, 2014: 2). در ادامه نگاه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به حوزه سن مسئولیت کیفری در جرائم شرعی و تعزیری از حیث نگاه صُلبی یا فازی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در جرائم مستوجب حد، قصاص و دیه

در جرائم تعزیری و جرائم مستوجب قصاص و حد قانون جدید مجازات اسلامی، نظامی دوگانه برای مسئولیت کیفری را پذیرفته است. یعنی در حالی که در ماده‌های ۸۷ و ۸۸ در جرائم تعزیری، با پذیرش قوه تمیز و رشد تدریجی، مسئولیت کیفری تدریجی را می‌پذیرد، در جرائم مستوجب حد، قصاص و دیه، با توجه به ماده ۹۰، تبصره ۲ ماده ۸۷ و ماده ۱۴۷ سن ۹ و ۱۵ سال قمری را ملاک قرار داده و همان مسئولیت دفعی و جهشی را قائل است.

تبصره ۲ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر کرده است که اگر فردی نابالغ که در گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ سال قمری قرار دارد، مرتکب جرم مستوجب حد یا قصاص گردد، به یکی از اقدامات مذکور در بندهای «ت» یا «ث» ماده ۸۸ که به ترتیب عبارتند از اخطار و تذکر یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت برای مدت ۲ تا ۵ سال محکوم خواهد شد. چنانچه نابالغ مرتکب این جرائم، کمتر از دوازده سال سن داشته باشد، مطابق قسمت ذیل این تبصره به یکی از اقدامات مذکور در بندهای الف تا پ ماده ۸۸ محکوم خواهد شد.

اما برخلاف تبصره ۲ ماده ۸۸، ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تحولی جدی در واکنش کیفری نسبت به نوجوانان مرتکب جرائم مستوجب حد یا قصاص ایجاد کرده است. این ماده سه وضعیت را به‌عنوان عوامل سقوط حد یا قصاص معرفی کرده و قاضی را مکلف نموده است که در این موارد، مرتکب را به‌جای حد یا قصاص، بر اساس گروه سنی وی به یکی از مجازات‌های تعزیری مذکور در این فصل محکوم کند. این سه وضعیت عبارتند از:

۱. عدم درک ماهیت جرم ارتكابی توسط مرتکب؛ ۲. عدم درک حرمت جرم ارتكابی توسط مرتکب؛ ۳. شبهه در رشد یا کمال عقل مرتکب.

به این ترتیب اگر فرد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی که مرتکب جرم حدی یا موجب قصاص شده است، بر حرمت رفتار ارتكابی خویش آگاه بوده و در رشد و کمال عقلی وی شبهه‌ای نباشد، صرف‌نظر از سنی که مرتکب در زمان ارتكاب جرم در آن قرار داشته است، مسئولیت کیفری او تام محسوب و به مجازات معین شرعی و قانونی رفتار ارتكابی خویش محکوم می‌شود؛ اما چنانچه فرد بالغ زیر ۱۸ سالی که مرتکب بزه مستوجب حد یا قصاص شده است، حرمت و ماهیت رفتار مجرمانه خویش را درک نکرده و در رشد و کمال عقلی وی تردید وجود داشته باشد، در این صورت

بسته به اینکه سن وی در زمان ارتکاب جرم بین ۱۲ تا ۱۵ سال تمام قمری یا ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی باشد، حسب مورد و بر مبنای جمع مقررات تبصره ۲ ماده ۸۸ و ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی به یکی از اقدامات تأمینی و تربیتی یا مجازات‌های مقرر در ماده‌های ۸۹ و ۸۸ همان قانون محکومیت خواهد یافت (صبوری پور و علوی صدر، ۱۳۹۴: ۱۸۷).

۲-۳. مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در جرائم تعزیری

در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان بدون آنکه تفاوتی از حیث جنسیت وجود داشته باشد، تابع نظام تدریجی شده و برای گروه‌های سنی مختلف اطفال واکنش‌های متفاوتی در نظر گرفته شده است و گام‌های مهمی در راستای درجه‌بندی مسئولیت اطفال برداشته شده که محصول تلاش بی‌وقفه حقوق‌دانان و در راستای اجرای عدالت بوده است و این امید را به وجود آورده است که مقنن در پذیرش نگرش فازی آمادگی لازم را دارد. از تحولات قانون جدید مجازات، افزوده‌شدن فصل دهم تحت عنوان «مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان» است. با بررسی این فصل آشکار است که اطفال و نوجوانان بر مبنای سن دارای مسئولیت کیفری تدریجی شناخته شده‌اند. به عبارتی دیگر، نقطه صفر این درجات از فقد کامل مسئولیت شروع شده و نقطه اوج آن ورود به قلمروی مسئولیت بزرگسالان است (نبی پور، ۱۳۹۲: ۱۱۵) که تأثیر آن در پاسخ و ضمانت اجرای جرم ارتكابی مشخص می‌شود؛ بدین معنا که از عدم پاسخ تا اقدامات تأمینی و تربیتی، اصلاحی و درمانی تا مجازات‌های تعزیری مقرر در کتاب پنجم قانون مجازات مصوب ۱۳۷۵ درجه‌بندی گردیده است.

در نظام تدریجی، دو مفهوم حداقل سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری از یکدیگر تمایز می‌یابند. حداقل سن مسئولیت کیفری سنی است که از نظر نظام عدالت کیفری فرد این قابلیت را پیدا می‌کند که در دادگاه کیفری مورد محاکمه قرار گیرد؛ اما این به هیچ‌وجه بدان معنا نیست که از همین سن می‌توان با او مانند بزه‌کاران بزرگسال برخورد کرد. در مقابل، سن بلوغ کیفری آن سنی است که فرد با گذر از آن، مسئولیت کیفری کامل پیدا می‌کند و به‌مثابه یک بزرگسال مجازات می‌شود (صبوری پور و علوی صدر، ۱۳۹۴: ۱۸۰).

در واقع، گامی مهم در شناسایی سن مسئولیت کیفری به‌صورت مدرج و فازی، در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برداشته شد که در آن، نظام تدریجی مسئولیت کیفری اطفال، به این ترتیب پیش‌بینی شده بود: الف) تا ۹ سال معاف از مسئولیت کیفری؛ ب) ۹ تا ۱۲ سال پاسخ تربیتی اصلاحی؛ ج)

۱۲ تا ۱۵ سال پاسخ‌های تربیتی تنبیهی؛ د) ۱۵ تا ۱۸ سال پاسخ‌های تنبیهی تخفیف‌یافته (سوادکوهی، کاظمی، ۱۳۸۸: ۲۵۲). ذیلاً هریک از این گروه‌ها به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۲-۱. گروه سنی ۹ تا ۱۲ سال

ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر کرده است که اطفال ۹ تا ۱۲ ساله در صورت ارتکاب جرائم تعزیری، موضوع یکی از تصمیمات مندرج در بندهای الف تا پ آن ماده قرار می‌گیرد که عبارتند از: الف) تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیبه و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان؛ ب) تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند الف؛ پ) نصیحت به وسیله قاضی.

از لحاظ فنی نیز مفهوم این ماده آن است که کودکی که کمتر از ۹ سال سن دارد، نمی‌تواند موضوع هیچ‌گونه تصمیمی در نظام عدالت کیفری حتی تصمیمات اصلاحی و مراقبتی قرار گیرد. به بیان دیگر قابل محاکمه کیفری نیست. واکنش‌هایی که قانون‌گذار در مورد این گروه سنی پیش‌بینی کرده است، جنبه ترمیمی تربیتی دارند.

۳-۲-۲. گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ سال

در مورد گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ سال، قانون‌گذار سخت‌گیری بیشتری نشان داده و این امکان را فراهم کرده است که علاوه بر واکنش‌های اصلاحی مورد اشاره در بند قبل، برخی تدابیر تأدیبی تربیتی نیز در مورد آن‌ها اعمال شود. طبق تبصره ۱ ماده ۸۸، کودک یا نوجوان ۱۲ تا ۱۵ ساله‌ای که مرتکب جرم تعزیری شود، ممکن است علاوه بر تدابیر مذکور در بند قبل، مشمول واکنش پیش‌بینی شده در بندهای ت و ث این ماده نیز قرار گیرند. به‌ویژه واکنش مذکور در بند ث که نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به مدت سه ماه تا یک سال است، دارای جنبه تنبیهی قوی می‌باشد. قسمت ذیل این تبصره، سخت‌گیری نسبت به این گروه سنی را بیشتر کرده و مقرر کرده است که اگر این اطفال و نوجوانان مرتکب جرم تعزیری درجه ۱ تا ۵ شوند، الزاماً باید برای مدت ۳ ماه تا ۱ سال به کانون اصلاح و تربیت اعزام شده و قاضی نمی‌تواند برای آن‌ها واکنش دیگری، از قبیل تسلیم به اشخاص واجد صلاحیت یا اخطار و تذکر و اخذ تعهد به عدم تکرار جرم در نظر بگیرد.

۳-۲-۳. گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال

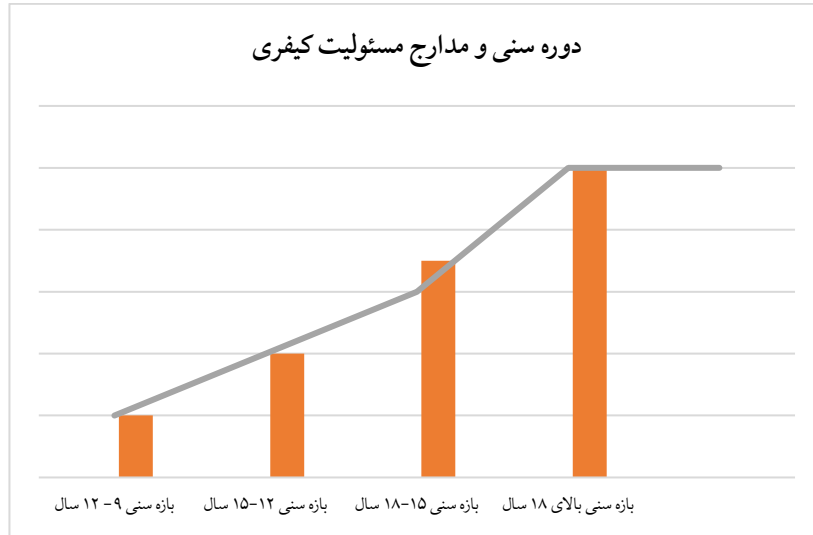
پس از گذر از سن ۱۵ سال تا رسیدن به ۱۸ سال، دختران و پسرانی که مرتکب جرم تعزیری شوند، مشمول ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی می‌باشند. در این ماده مقرر شده که مجرمان این رده سنی بسته به نوع جرم، به یکی از مجازات‌های مذکور در آن ماده محکوم می‌شوند که شدیدترین آن‌ها پنج سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت و خفیف‌ترین آن‌ها نیز پرداخت جزای نقدی است.

در قانون سابق مجازات اسلامی مقررات خاصی برای این گروه سنی (۱۵ تا ۱۸ سال) وجود نداشت و این افراد مسئولیت کیفری کامل داشتند؛ اما قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ضمانت‌اجراهای خاصی را برای این گروه سنی پیش‌بینی کرده و آن‌ها را تابع نظامی متفاوت از بزرگسالان (بالای ۱۸ سال) قرار داده است. اگرچه قانون‌گذار سن مسئولیت کیفری را صراحتاً افزایش نداده است، با پیش‌بینی نظام تدریجی مسئولیت کیفری، دامنه حمایت‌های اصلاحی و تربیتی خود را توسعه داده و این حمایت‌ها را تا حد شمول بر افراد کمتر از سن هجده سال گسترده ساخته است. به‌عنوان مثال در بند الف ماده ۸۹ مقرر شده است که نوجوان مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا سه به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به مدت دو تا پنج سال محکوم شود. به این ترتیب نگهداری در کانون برای مدت ۲ تا ۵ سال جایگزین تعزیرات درجه ۱ تا ۳ شده است (صبوری‌پور و علوی صدر، ۱۳۹۴: ۱۸۵).

قانون‌گذار در قانون جدید مجازات اسلامی، نسبت به مجازات‌دهی افتراقی بر اساس ملاک سنی اقدام کرده است. بدین‌سان در مورد جرائم شرعی با پذیرش بلوغ شرعی معیار سال قمری و تفکیک دختر از پسر را پذیرفته و در مورد جرائم تعزیری با پیروی از منطق حقوقی در سیاست‌گذاری خود رشد عقلانی، سال خورشیدی و برخورد یکسان با دختر و پسر بر اساس مدارج سنی مختلف را در نظر گرفته است (مهرا، ۱۳۹۰: ۸۶).

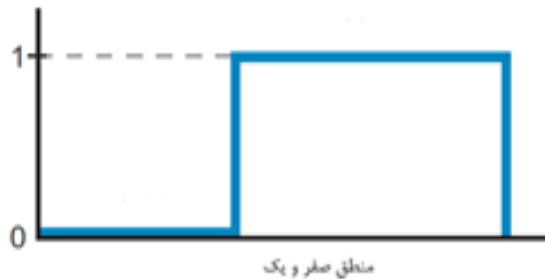
بنابراین، چنان‌که ملاحظه گردید مقنن در مورد مسئولیت کیفری اطفال در جرائم تعزیری دیدگاه درجه‌بندی را پذیرفته است. در واقع مسئولیت کیفری تدریجی اطفال و نوجوانان به‌نوعی پذیرش حد فاصل بین سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری است. به عبارت دیگر، سنین مسئولیت کیفری نسبی و مطلق، دوره‌ای ارفاقی و ویژه است که دادرسی ویژه نوجوانان در آن معنا می‌یابد که در این دوره ضمانت‌اجراها و واکنش‌های کیفری بیشتر جنبه آموزشی و اجتماعی دارد (Bartollas, 2010: 223).

قواعد به کارگیری نگرش فازی و پیاده‌سازی آن در حوزه سن مسئولیت کیفی را می‌توان در نمودارهای زیر نشان داد:



شکل ۱- مدارج سن مسئولیت کیفی

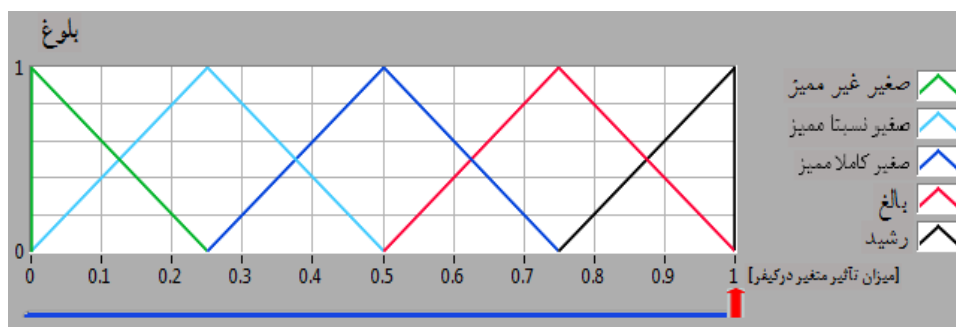
که در مقابل نگرش صلبی منطق صوری با نگاه دفعی قرار دارد که از مسئولیت صفر به مسئولیت کامل می‌رسد و در شکل ذیل نمایش داده شده است.



شکل ۲- نگرش منطق صوری پیرامون سن مسئولیت کیفی

نهایتاً این حرکت تدریجی جهت قابلیت آنالیز فازی و تصمیم‌گیری به صورت نمایش گرافیکی تابع عضویت مثلثی در شکل ۳ قابل ترسیم می‌باشد که در صفحه آتی آمده است.^۱

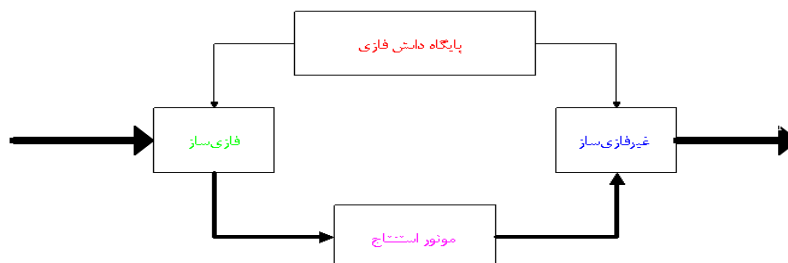
۱. توضیح کامل مجموعه‌های فازی و توابع عضویت در کتابهای تخصصی مربوطه قابل مطالعه می‌باشد که به دلیل مباحث ریاضی در حوصله این مقاله نمی‌گنجد. (نک: رجب زاده قطری و همکاران، ۱۳۹۳؛ منهاج، ۱۳۹۰)



شکل ۳- نگرش منطق فازی پیرامون سن مسئولیت کیفی

که نهایتاً این امر منجر به طراحی و ترسیم یک سیستم فازی محض جهت تصمیم‌گیری می‌گردد. نحوه اعمال و به‌کارگیری محاسبات فازی و تأثیر آن در تصمیم‌گیری قضایی، به این صورت است که در یک دستگاه فازی تصمیم‌گیر، ابتدا متغیرهای ورودی، تعریف و فازی‌سازی می‌شود. مثلاً سن مسئولیت کیفی در گروه‌های صغیر غیر ممیز، صغیر نسبتاً ممیز، صغیر کاملاً ممیز، بالغ و رشید قرار گرفته که در یک طیف صفر تا یک تقسیم‌بندی می‌شوند. بر اساس روابط فازی تعریف‌شده در این نحوه محاسبات و با بهره‌گیری از نگرش خبرگان حقوقی و مقنن دسته‌بندی‌های طبقه حداقل مسئولیت کیفی (۰) تا حداکثر مسئولیت کیفی (۱) در نمودار قرار گرفته می‌شود تا در استخراج سیستم مورد ارزیابی واقع شود. در نهایت در بررسی محاسباتی صورت گرفته و با روش‌های محاسباتی تعیین خروجی و تصمیم نهایی، نوع کیفی و میزان مسئولیت بر اساس ورودی‌های سیستم (بازه‌های سنی صغیر غیر ممیز تا رشید) مشخص می‌شود. این روش در اتخاذ نگرش سیستمی به قواعد حقوقی و وحدت آراء صادره، روش مؤثر و کاربردی خواهد بود که به کارگیری آن در کل قواعد حقوق کیفی، یک دیدگاه جامع و منسجم ایجاد خواهد کرد و فهم الگوهای موجود را دقیق‌تر می‌نماید (ابوذری، ۱۳۹۶: ۲۱۵). در واقع، طراحی سیستم مبتنی بر نگرش فازی و حوزه سن مسئولیت کیفی که به نوعی کاربرد این مقاله از لحاظ تأثیرگذاری در تعیین کیفی و حمایت از اطفال می‌باشد، باعث می‌گردد با توجه به مؤلفه‌های مختلف شکل‌گیری بلوغ افراد از لحاظ جسمی، جنسی، روانی، عاطفی، ذهنی و غیره درجه بلوغ فرد مشخص شود و بر اساس آن پاسخ و ضمانت اجرای مناسب با توجه به تشخیص سیستم مبتنی بر دانش خبرگان حقوقی، مشخص گردد که منجر به وحدت رویه، انسجام آراء، هوشمندی تصمیم‌گیری، سرعت و دقت نظر خواهد شد.

در شکل ۴ نحوه عملکرد یک سیستم فازی نمایش داده شده است که توضیحات اجمالی نحوه عملکرد آن در فوق بیان گردید.



شکل ۴- سیستم تحلیل گر فازی

نتیجه

امروزه منطق فازی به دلیل افزایش دقت در مفاهیم مبهم، در شاخه‌های مختلف علوم انسانی نیز کارایی برجسته‌ای پیدا کرده است. در گرایش‌های علوم انسانی، من جمله حقوق، بسیاری از داده‌ها مفاهیمی کیفی و غیردقیق دارند که با حکومت منطق دودویی به ناچار تقریب زده شده و در بازه صفر یا یک، وجود یا عدم قرار می‌گیرند. در حالی که عدالت ایجاب می‌کند مفاهیم دقیقاً در جای واقعی‌شان شناسایی و تحلیل شوند.

تئوری مجموعه‌های فازی و منطق فازی به‌عنوان نظریه‌ای ریاضی برای مدل‌سازی و صورت‌بندی ریاضی ابهام و عدم دقت موجود در فرایندهای شناختی انسانی، ابزارهای بسیار کارآمد و مفیدی برای این منظور به شمار می‌روند. نظریه مجموعه‌های فازی ابزارهایی فراهم می‌آورد که می‌توان به‌وسیله آنها نحوه استدلال و تصمیم‌گیری انسانی را صورت‌بندی ریاضی بخشید و از الگوهای ریاضی به‌دست‌آمده زمینه‌های گوناگون علوم و تکنولوژی استفاده کرد. همچنین منطق فازی در نظام‌مند کردن و درک بهتر مفاهیم حقوقی نیز می‌تواند کاربرد داشته باشد. در واقع، منطق فازی دیدگاهی است که می‌تواند به یاری عدالت در مفاهیم علمی و عملی حقوق شتافته و داده‌های حقوقی را به‌درستی ارائه و اعمال کند. می‌توان گفت در حال حاضر، یکی از دلایل تشتت آراء، تفاوت در برداشت از مفاهیم مندرج در قانون و اصحاب پرونده است. لذا یک شکل از وحدت‌رویه و حل مشکلات قضایی در استدلال، روی آوردن به نگرش فازی می‌باشد (Taal Shere, 2016: 384).

بنابراین به‌کارگیری نگرش فازی در تبیین سن مسئولیت کیفری و مفهوم بلوغ نیز می‌تواند امری مؤثر در تحقق انسجام در تصمیم‌گیری و رعایت اصول حقوق کیفری باشد. با توجه به اینکه بلوغ امری تکوینی و فازی است، نه تشریحی و تعبدی و غیرفازی و سن مسئولیت کیفری کودک با سن

تکلیف عبادی (بلوغ) متفاوت است و در مسئولیت کیفری علاوه بر بلوغ، رشد فکری و روانی، یعنی رشدی که بتواند مسئولیت کیفری را درک کند، باید در نظر گرفته شود. همچنین نظر به مجموع روایات و بیانات فقها که معیار اصلی برای رسیدن به بلوغ در پسران احتلام و در دختران دیدن خون حیض است و سایر علائم و سن نشانه‌هایی است که نوعیت دارد ولی موضوعیت ندارد، بلوغ امری تکوینی و تدریجی می‌باشد.

گرچه همچنان آغاز سن مسئولیت کیفری از مسائلی می‌باشد که مربوط به حوزه مسئله تدریجی یا دفعی بودن مسئولیت کیفری است. البته در مورد تدریجی بودن مسئولیت کیفری، بین نظام‌های مختلف حقوق تفاوت وجود دارد، برخی با مرحله‌ای کردن فاصله زمانی این دوره برای هر مرحله، واکنش‌های خاصی را در قانون در نظر گرفته‌اند و برخی دیگر این مرحله را به صورت یکپارچه و پیوسته در نظر گرفته و اختیار انتخاب واکنش مناسب را به قاضی داده‌اند (سوادکوهی، ۱۳۸۸: ۲۳۳). لکن دوره کودکی ایجاب می‌کند که سیاست کیفری مقابله با بزهکاری اطفال و نوجوانان متمایز از بزرگسالان باشد و به تناسب سن و شرایط با آنان برخورد شود. لذا در بیشتر قوانین کیفری کشورهای جهان، مسئولیت کیفری با توجه به سن دارای نوسان است و به صورت تدریجی تعیین می‌گردد.

در قانون جدید مجازات اسلامی قانون‌گذار با الهام از آموزه‌های فقهی و یافته‌های جرم‌شناسی در کنار عوامل بلوغ، عقل و اختیار به عنوان مسئولیت کیفری در گروه سنی زیر ۱۸ سال، موضوع رشد و تمیز عقلی در حسن و قبح را نیز در نظر داشته و با بلوغ فرد، مسئولیت کیفری تام به وی تحمیل شده و به مسئولیت نقصان یافته و مسئولیت تدریجی این گروه سنی در جرائم تعزیری و اهلیت جزائی در جرائم مستوجب حد، دیه و قصاص توجه داشته و در واقع قانون جدید با موضع‌گیری کودک‌مدارانه، نوعی سیاست جنایی افتراقی را در تعیین مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان نسبت به بزرگسالان پیش‌بینی کرده است. گرچه قانون جدید با تصویب مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان، بسیاری از مسائل مربوط به سیاست جنایی تقنینی حوزه اطفال و سن مسئولیت کیفری را مرتفع کرده است اما پیشنهاد می‌شود پذیرش تدریجی قوه تمیز و مسئولیت کیفری مبتنی بر سن بر اساس یک ساختار منجسم و مدون منطقی باشد که در این مقاله استفاده از نگرش فازی پیشنهاد شده است؛ بدین معنا که در نگرش فازی به جای پذیرش مسئولیت ناگهانی و پذیرش نقاط صفر یا یک مطلق، بر اساس دنیای واقعی روند تدریجی مسئولیت و حرکت از صفر به سمت یک، به کار برده شود. اما نکته درخور ملاحظه آنکه پذیرش مسئولیت تدریجی صرفاً در جرائم تعزیری پذیرفته شده و در جرائم مستوجب حد یا قصاص طبق ماده ۹۱ به قاضی آزادی عمل داده شده که حد یا قصاص را از مرتکب دارای سن کمتر از ۱۸ سال به دلیل عدم درک

حسن و قبح عقلی رفع کند. اما مناسب‌تر آن بود که قانون‌گذار برای رسیدن به هدف مورد نظر خود، یعنی فراهم آوردن امکان عدم اجرای حد و قصاص در مورد اشخاص زیر ۱۸ سال از سازوکارهای سنجیده‌تری استفاده کند و سن مسئولیت کیفری در حدود و قصاص را نیز همچون تعزیرات افزایش دهد.

در واقع، توجه جسته‌گریختهٔ مقنن به مقولهٔ درجه‌بندی و شدت و ضعف مسئولیت‌پذیری نشان از احساس نیاز مقنن به نوعی نگرش مدرج است؛ لکن به دلیل عدم پذیرش نگرش فازی به‌عنوان یک ساختار منسجم و نظام‌مند در سیاست کیفری باید تلاش‌های علمی و پژوهش لازم در راستای ارائهٔ این نگرش و ظرفیت‌های آن صورت گیرد.

منابع

فارسی

- ابوذری، مهرنوش (۱۳۹۶)، کاربرد منطق فازی در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- بوجادزیف، جرج (۱۳۸۱)، منطق فازی و کاربردهای آن در مدیریت، ترجمه سیدمحمد حسینی، چاپ اول، تهران: انتشارات ایشیق.
- جنت مکان، حسین (۱۳۹۰)، حقوق کیفری عمومی، جلد دوم، تهران: نشر جنگل.
- سمیعی، حسن (۱۳۳۳)، حقوق جزا، چاپ اول، تهران: چاپخانه شرکت مطبوعات.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۰)، بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ اول، تهران: نشر ژوبین.
- عباسی، مجتبی (۱۳۹۴)، بزهکاری اطفال، چاپ اول، تهران: نشر مجد.
- طاهری، محمود (۱۳۷۸)، آشنایی با نظریه مجموعه‌های فازی، چاپ اول، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- فقیه، نظام الدین، علمدار یولی، فرشاد (۱۳۸۶)، منطق فازی در آزمون‌های چندگزینه ای، چاپ اول، شیراز: نشر رخشید.
- قاسمی، وحید (۱۳۸۹)، سیستم‌های استنباط فازی و پژوهش‌های اجتماعی، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- کاسکو، بارت (۱۳۸۶)، تفکر فازی، ترجمه علی غفاری، عادل مقصود پور، علیرضا پورممتاز، جمشید قسیمی، چاپ چهارم، تهران: نشر دانشگاه خواجه نصیر طوسی.
- معظمی، شهلا (۱۳۸۸)، بزهکاری کودکان و نوجوانان، چاپ دوازدهم، تهران: نشر دادگستر.
- مهرا، نسرین (۱۳۹۰)، عدالت کیفری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- منهج، محمدباقر (۱۳۹۰)، محاسبات فازی، چاپ سوم، تهران: نشر دانش نگار.
- میرسعیدی، سیدمنصور (۱۳۸۳)، مسئولیت کیفری، قلمرو و ارکان، تهران: نشر میزان.
- نبی پور، محمد (۱۳۹۴)، درجه بندی عنصر روانی در قتل، چاپ اول، تهران: نشر مجد.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین، حمید هاشم بیگی (۱۳۷۷)، دانشنامه جرم شناسی، چاپ دوم، تهران: گنج دانش.
- حسین‌زاده یزدی، مهدی (۱۳۸۷)، «جستاری در مبانی معرفتی منطق فازی»، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی-کلامی، شماره ۳۶.
- سوادکوهی فر، سام؛ کاظمی، سیدعلی (۱۳۸۸)، «مسئولیت کیفری تدریجی دختران»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال ۱۲، شماره ۴۵.
- صبوری پور، مهدی؛ علوی صدر، فاطمه (۱۳۹۴)، «سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان در ق.م.ا. ۹۲»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ۶، شماره اول.
- موسوی بجنوردی، محمد (۱۳۷۸)، «بلوغ»، پژوهشنامه متین، بهار، شماره ۲.

- موسوی شفانی، مسعود (۱۳۹۲)، «راهگشایی منطق فازی در تبیین رابطه نظریه و واقعیت»، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، شماره ۴
- وکیلی، هادی (۱۳۸۳)، «الهیات فازی: روایت دیدگاه عرفانی امام خمینی»، پژوهشنامه متین، شماره ۲۲، دوره ۶.

انگلیسی

- Hendrick, Ch. (2003), **Child Welfare: Historical Dimensions, Contemporary Debate**, Bristol: Policy Press.
- Smith son, Michael, Oden, Gregg E (1999), **Fuzzy Set Theory and Application in Psychology**, Kluwer Academic Publisher.
- Partington, M. (2001), **Introduction to the English Legal System**, Oxford University Press.
- Zetenyi, T. (1988), **Fuzzy Sets in Psychology**, Amsterdam, North Holland.
- Ahmadi, Amir, Amiri, Shrzad (2010), **The Legal criminological analysis of Islamic Penal Law**, Academia Arena ,2014, 6 (5).
- Bartollas, Clemens, Schmallenger, Frank (2010), **Juvenile Delinquency**, Pearson Publisher.
- Delmage, Enys (2013), "The Minimum Age of Criminal Responsibility: A Medico-Legal Perspective", **Youth Justice, SAGE Journals**, vol. 13, NO 2.
- Kushwaha, Govind, Kumar, Singh Sanja (2009), "Role of the Fuzzy System in Psychology Research", **Europe`s Journal of Psychology**.
- Taal, Amie, Sherer, James (2016), "Cognitive Computing and Prposed Approches to Conceptual Organization of Case Law Knowledge Bases: A Proposed Model for Information Preparation Indexing and Analysis", **Artificial Inteligence and Law**, 24 (4).
- Zadeh, L. (1988), "Fuzzy Sets, Fuzzy Logic and Fuzzy Systems", **Selected Papers**, World Science, 8.